

## سنخیت‌شناسی عوامل تأثیرگذار بر «هویت و حس مکان» در سیر تحول «نظریه محله» با رویکرد فراتحلیل

زمزم زمانزاده دربان\* - مرتبی بخش مرمت و احیای بناهای تاریخی، دانشکده هنر و معماری صبا، دانشگاه شهید باهنر کرمان، کرمان، ایران.

### The typology of factors influencing identity and sense of place in the evolution of neighborhood theory with meta-analysis approach

#### Abstract

The typology of factors affecting identity and location is one of the important issues that play a major role in creating lively spaces and enjoying favorable living conditions for citizens and residents of cities especially in metropolitan areas; if the authentication of a site allows the individual to Space is safer and more relaxed. In this article, the study of this hypothesis is descriptive-analytic, and the factors of identity recognition of the sense of place in the structure of the neighborhoods have been introduced in the light of the theory of the neighborhood. The meta-analysis method is also followed by the compilation of the research and theories in this field. Is taken into consideration. Findings of the research show that recognition, familiarity and subjective dominance on the identity and sense of space in space not only do not require a great deal of perception, but the relief and sense of identity and sense of place in the use of local space If the sensation of action and readability of space is necessary for this space with space. At the end, the components and indicators of authentication and sense of place are briefly mentioned.

**Key words:** sense of place, urban neighborhoods, neighborhood theory, urban space.

#### چکیده

سنخیت‌شناسی عوامل تأثیرگذار بر هویت و حس مکان از مقولات مهمی است که نقشی اساسی در ایجاد فضاهایی سرزنشه و برخورداری از شرایط زیستی مطلوب برای شهروندان و ساکنان شهرها خاصه در مناطق کلانشهری دارد؛ چنانچه احراز هویت یک مکان این امکان را می‌دهد که فرد در آن فضا مطمئن‌تر و با آرامش بیشتر حرکت کند. در این مقاله بررسی این موضوع در روش «توصیفی- تحلیلی» مورد نظر بوده و عوامل احراز هویت مکان در ساختار محلات در پرتو «نظریه محله» معرفی شده‌اند که روش «فراتحلیل» نیز در پی جمعیندی تحقیقات و نظریات موجود در این زمینه مورد توجه قرار گرفته است. یافته‌های تحقیق نشان میدهد که شناخت، آشنايی و تسلط ذهنی بر هویت و حس مکان در فضانه تنها نیروی زیادی برای ادراک طلب نمی‌کند بلکه آسودگی خاطر و احساس هویتمندی و حس مکان در استفاده از فضای محلات را به دنبال دارد؛ چنانچه احساس کنشمندی و خوانایی فضا لازم و ملزم این همانی با فضاست. در پایان نیز مولفه‌ها و شاخص‌های احراز هویت و حس مکان به اختصار مورد اشاره قرار گرفته است.

**واژگان کلیدی:** حس مکان، باهمستانهای شهری، نظریه محله، فضای شهری.

## مقدمه

مفهوم « محله » عنوان بستر یا محل سکونت، ریشه تاریخی در ظهور و بروز مباحث نظری تاریخ شهرسازی و اصولاً مقولات « پارادایمی »<sup>۱</sup> و « نظریهپردازی » آن دارد. بنا بهیک تعریف تاریخی، واحدهای مختلف شهر که طبقات مختلف اجتماعی را در خود جای می‌دهند یا نواحی شهری (با مرزهای اداری یا رسمی) که دامنه‌ای از گروههای اجتماعی را تحت پوشش قرار می‌دهند، « محله » نامیده می‌شده‌اند؟ اما « توسعه » مفهوم محله

۲. در سالهای ۱۹۶۳ و ۱۹۷۰ « توماس کوهن » فیزیکدان آمریکایی، مفهوم « پارادایم » را وارد متون علمی جهان کرد و از این مفهوم تعریف و تفسیری ارائه داد. وی در کتاب « ساختار انقلاب‌های علمی » این عقیده را مطرح ساخت که پیشرفت علوم تابع یک « روند تکاملی و خطی » نیست، بلکه « نظریه‌های علمی » در هر دوره تحت تسلط شرایط فکری و گزاره‌هایی است که در آن زمان اعتبار و ارزش دارد. این شرایط فکری و گزاره‌های مسلط در هر دوره، در واقع زمینه و چارچوبی برای شناخت علمی پدید می‌آورند که « توماس کوهن » آن را « پارادایم » (انگاره) نامیده است. با تغییر شرایط فکری و اجتماعی، پارادایم‌ها نیز تحول می‌یابد و در نتیجه انقلاب‌های علمی پدید می‌آید (مهدیزاده، ۱۳۸۵، ص. ۸).

۳. محله به عنوان سلول شهری در شهر انکاسی از جامعه بوده و مفاهیمی همچون هویت، وحدت، خوانایی، هماهنگی، سازگاری و بسیاری از مفاهیم دیگر را در خود جای داده است؛ اما به تدریج و با نفوذ سبک معماری مدرن محله‌ها انسجام و پیوستگی و هویت و شخصیت مستقل خود را از دست داده و مفهوم و ارزش‌های محله بیاعتبار شده و بدنبال درک ناشیانه و برداشت سودجویانه از دیدگاه مدرنسیم بافت مسکونی از شکل محله‌های با بافت فشرده و بسته با برخوردهای اجتماعی محدود به یک سیستم باز و قابل دسترس با روابط اجتماعی پراکنده تبدیل شد. بدین ترتیب طرح محله‌های سنتی تحت تاثیر ساختار بیگانه قرار گرفت و زندگی سنتی حاصل از آن به علت روابط اجتماعی جدید و وارداتی چار دگرگونی شد.

# مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری  
Urban Management  
شماره ۴۸ پاییز ۱۳۹۶  
No.48 Autumn 2017

۶۶

تصوری که کاربری‌های غیر از سکونتی را در نظر بگیرد، دیدگاهی مختص قرن حاضر است. مسئله مهم برای شهرسازان (علاوه بر عملکرد)، بحث « ساختار اجتماعی » ساکنان محلات است که تحت مساله‌ای بنام « هویت »<sup>۳</sup> مطرح است که به نوعی تحتالشعاع محتوا قرار می‌گیرد. پس هم « محتوی » و هم « عملکرد » در « نظریه محله » در قرن اخیر مورد مناقشه است. مهمترین انتقاد در رابطه با هویت محله‌ای، « کارایی اجتماعی »<sup>۴</sup> آن است. در واقع، این توقع که طراحی فیزیکی بتواند روابط اجتماعی را تغییر دهد و نوعی « حس اجتماعی »<sup>۵</sup> و یا شاید « حس مکان » در محلات ایجاد کند، مورد چالش صاحب‌نظران قرار گرفته است. جنبه‌های اجتماعی محله معمولاً به « حس اجتماعی » تعبیر می‌شود که در صورت آمیزش با مقولات روان‌شناسی یا ادراکی حس مکان در محلات را شکل میدهد. گروهی از نظریه‌پردازان مانند « کیس »<sup>۶</sup> (۱۹۷۳) و « ساراسن »<sup>۷</sup> (۱۹۷۴) عقیده دارند که محلی بودن دیگر نه ممکن و نه مفید است و زندگی شهری مدرن دیگر جایی برای حس اجتماعی باقی نگذاشته است. گروه دوم عقیده دارند که ایجاد محله‌ای شهری بنوبه خود می‌تواند حس اجتماعی قوی را موجب شود. از دیدگاه « مکس وبر »<sup>۸</sup> (۱۹۶۴) برای شکلگیری یک جامعه « علاقه »<sup>۹</sup> لزوماً نیازی به « جامعه مکان »<sup>۱۰</sup> نیست. یک محدوده جغرافیایی مانند محله میتواند یک جامعه مکان در نظر گرفته شود، در صورتی که یک قلمرو خاص (جغرافیایی یا غیرجغرافیایی) که بتواند حس مشترکی را ایجاد کند مانند یک طبقه شغلی یا تخصصی جامعه علاقه است. در گذشته، بدلیل آنکه افراد نیاز به جایگایی کمتر داشتند و معمولاً محل سکونت و کار در مجاورت هم قرار داشت، مفهوم جامعه مکان نمود بیشتری داشت.

- ۴. Identity
- ۵. Effectiveness Social
- ۶. Community sense
- ۷. Keyes
- ۸. Sarason
- ۹. Webber
- ۱۰. Community of interest
- ۱۱. Community of place

پژوهشگران را به طرف مطالعه رفتار در فضا رهنمون می‌شود. ایشان در همین مقاله به معرفی پژوهه‌های «طراحی پیش‌فضاهای ورودی به حرم مطهر حضرت امام رضا(ع)»، به عنوان مثالی برای سطح اول و «مطالعه چیدمان فضایی بافت تاریخی شهر سمنان»، به عنوان مثالی برای سطح دوم این مطالعات پرداخته‌اند. رفیعیان و خدائی (۱۳۸۸) در تحقیقی در شهر تهران با عنوان «شناسایی متغیرهای اثرگذار بر رضایتمندی شهروندان از فضاهای عمومی شهری»، سه متغیر «دسترسی به خدمات»، «امنیت اجتماعی» و «هویت مکانی» را از اثرگذارترین عوامل در رضایتمندی شهروندان از فضاهای عمومی معرفی می‌کنند. رفیعیان و همکاران (۱۳۸۷) نیز به سنجش تأثیرگذاری فضاهای عمومی در میزان اجتماعی‌شدن و تقویت مشارکت اجتماعی زنان پرداخته‌اند. در مطالعاتی در «مینه سوتای شمالی»<sup>۱۳</sup> که برای «سنجش کیفیت محیط‌های محلات مسکونی» انجام شده است، سه مؤلفه‌ی «حس مکان، احساس تعلق مکانی و هویت مکان» را از عوامل تأثیرگذار بر کیفیت محیط در نظر گرفته‌اند. داشنپور و چرخچیان (۱۳۸۶) در تحقیق خود فرآیند اجتماع‌پذیری و ارتقاء حیات جمعی درون فضاهای عمومی را مبتنی بر پذیرا بودن فضا برای افراد و گروه‌های مختلف اجتماعی، تأمین آسایش روانی و فیزیکی، لذت بردن افراد و گروه‌های اجتماعی از حضور در فضا و حضور اجتماعی فعل و مذاوم در فضا دانسته‌اند. و با توجه به آن‌ها به ما به ازاهای فضایی چون دعوت کنندگی، امنیت، مطلوبیت و پاسخگوی فعالیتی در راستای هدف‌شان اشاره نموده‌اند. کاشانی‌جو (۱۳۸۹) در تحقیق خود با عنوان «بازشناخت رویکردهای نظری به فضاهای

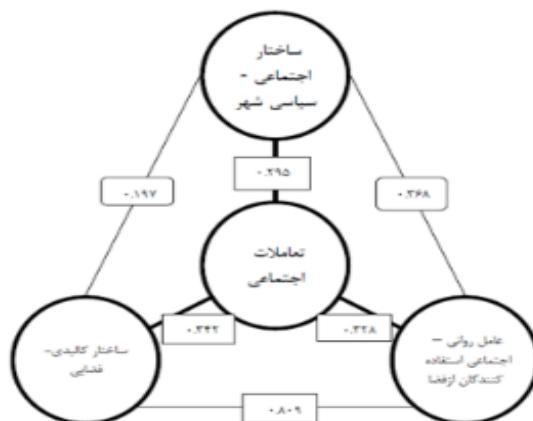
افزایش نیاز به جابجایی، منجر به ناهمگنی بیشتر در سطح محله‌ها شد و این بنوبه خود باعث شد تا ارتباطات اجتماعی کمتری در محدوده محله بوجود آیند. اما غالب نظریه‌پردازان دیدگاه میانی بین دو طیف افراطی (تقییسگرایان محله، و منکران محله) در پیش گرفته‌اند. به عنوان مثال، «راپاپورت»<sup>۱۴</sup> (۱۹۷۷) میگوید: این سخن که محله امروزه دیگر مهم نیست چرا که مردم دیگر فراتر از یک قلمرو فضایی زندگی می‌کنند، اگر چه با شواهدی همراه است ولی مردود است. قدر مسلم، اهمیت محله بعنوان یک فاکتور حیاتی برای زندگی شهری، به نظر می‌آید که در حال کاهش باشد. «لانگ»<sup>۱۵</sup> (۱۹۹۶) عقیده دارد که تسهیلات محلی و قلمرو محلی اگر چه از زاویه ارائه خدمات مهم هستند ولی نباید از آن توقع داشت که ترتیبات و الزامات اجتماعی خاصی دیگر کند. حداقل برای کسانی که دائم در حال جابجایی هستند قلمرو جغرافیایی مهم نیست و البته نه برای هر کس. «جاکوبز»<sup>۱۶</sup> (۱۹۷۰) میگوید حتی بی مسئولیت ترین شهروندان نسبت به فضای خیابان و منطقه محل سکونت خود حساس هستند. شهروندان بخاطر زندگی روزانه خود نیاز مند محله هستند و این ربطی ندارد به اینکه چه مقدار حق انتخاب در فضای خارج از خانه خود دارند. در این مقاله در ابتدا به تعاریف و مفاهیم مرتبط با حس مکان و هویت مکان پرداخته شده و در نهایت این مفاهیم در سطوح محلات به اختصار مورد اشاره قرار گرفته و در پایان نتیجه‌گیری لازم ارائه خواهد شد.

## پیشینه پژوهش

مصطفی عباسزادگان در مقاله‌ای با عنوان «استراتژی‌های پژوهش در طراحی شهری؛ نمونه‌های موردی در ایران» (عباسزادگان، ۱۳۸۶) در موضوع مطالعات محیطی، رفتاری اینچنین می‌نویسنده: روش‌های مطالعه ادراک محیط محلات، نحوه دریافت، تفسیر و درک محیط شهری را به عنوان لایه پنهان و معنایی فضاهای شهری برای شهروندان ممکن می‌کند و در ادامه با این فرضیه در نحوه درک فضا بر رفتار تأثیر می‌گذارد و

عمومی شهری محله‌ای»، این فضاهای را به عنوان «مکان سوم» که نقش اساسی در برقراری تعاملات اجتماعی در اجتماعی ایفا می‌نمایند می‌شناسد. وی سه دوره اصلی بر مبنای گرایش موضوعی به فضاهای شهری را در نظر گرفته است. در دوره پس از انقلاب صنعتی تا سال ۱۹۶۰، تأکید اصلی بیشتر بر ادراک فضایی و بصری، در دوره دوم از سال تا ۱۹۹۰ بر تقویت تعاملات اجتماعی، گسترش پیاده‌مداری و تاثیرات محیطی - رفتاری فضاهای شهری و در دوران خیر از ۱۹۹۰ تاکنون بیشترین فعالیتها و نظریه‌ها را مبتنی بر ملاحظات زیست محیطی - پایداری و ایجاد امنیت و انسان‌مداری در قلمروهای عمومی می‌داند. ترابی (۱۳۹۱) تأثیر ویژگی‌های کالبدی فضای باز عمومی در افزایش تعاملات و رفتار اجتماعی، سه عامل جذابیت و زیبایی، امنیت و آرامش و دسترسی و سلسله مراتب را برافراش تعاملات اجتماعی تأثیرگذار دانسته است. همچنین در تحقیق بهزادفر و طهماسبی (۱۳۹۲) بیان شده است مؤلفه‌های فردی تأثیر مستقیمی بر تعاملات اجتماعی و روابط پایدار اجتماعی دارند و هر فرد متناسب با شرایط اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی که در آن رشد کرده نوع و سطح خاصی از روابط را با دیگران و محیط انتخاب می‌کند. البته در پژوهش بهزادفر و طهماسبی (۱۳۹۲) اثبات شده، نقش مؤلفه‌های کالبدی و محیط فیزیکی به عنوان بستر شکل‌گیری روابط ساده و پیچیده اجتماعی را نمی‌توان نادیده گرفت، بنابراین در اینجا نقش و قابلیت‌های طراحی محیط کالبدی و کیفیت عملکردی فضا در ارتقای تعاملات اجتماعی تأیید می‌شود.

جدول ۱. خیابان‌های شهری و تعاملات اجتماعی؛ مأخذ: بهزادفر و طهماسبی، ۱۳۹۲، ص ۶۲

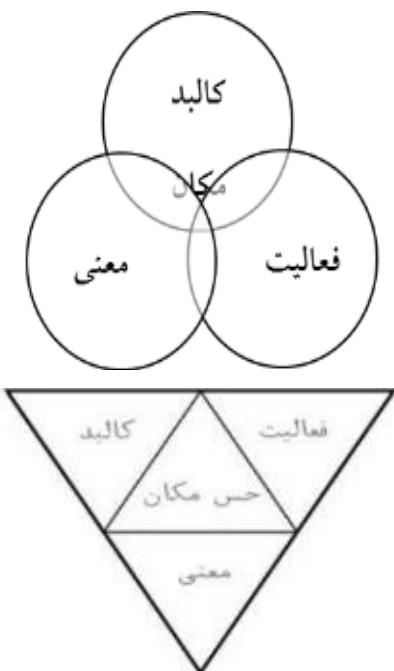


نمودار ۱. مدل تحلیلی مطالعه قنبران و جعفری؛ مأخذ: قنبران و جعفری، ۱۳۹۲، ص ۶۳

همچنین پژوهش‌های دیگری در زمینه تعاملات اجتماعی در فضاهای باز محلات تاکنون انجام شده است. از این میان می‌توان به مقاله «نقش فضاهای باز در حس تعلق به مکان، مطالعه موردی: شهرک

مؤلفه‌های ادراکی	مؤلفه‌های فردی	مؤلفه‌های کالبدی	مؤلفه‌های مؤثر
تأثیر غیر مستقیم بر رفتار	تأثیر مستقیم بر رفتار	تأثیر مستقیم بر رفتار	کیفیت تأثیر
تداوی و بقاء تعاملات	شکل‌گیری و ثبت تعاملات	شکل‌گیری و ثبت تعاملات	نوع تأثیر
در ادامه	آغاز و ابتدا	آغاز و ابتدا	ترتیب اثر گذاری
ایمنی، امنیت، خوانایی	جنسیت، مدت سکونت، سن، سطح در امد	کیفیت عملکردی و فعالیت پذیری، نفوذ پذیری و دسترسی	شاخص‌ها

مکان دخیل هستند که به نحو قابل ملاحظه‌ای با سه مولفه پیشنهادی کانتر یعنی «کالبد»، «فعالیت» و «تصورات» تشابه دارند.



نمودار ۲. (سمت راست) مولفه‌های سه گانه کیفیت طراحی محیط‌های مسکونی در مدل کانتر؛ مأخذ: گلکار، ۱۳۷۹، ص ۳۱.

نمودار ۳. (سمت چپ) حس مکان (جان پانتر ۱۹۹۱) مأخذ: گلکار، ۱۳۷۹، ص ۳۱.

اکباتان در تهران» اشاره نمود. این مقاله به حس تعلق در فاز دو شهرک اکباتان و رابطه بین مردم و کالبد، رابطه ویژگی‌های معماری و ایجاد حس تعلق در این شهرک را بررسی نموده است. پژوهش دیگر که به آن اشاره می‌شود مقاله «فضاهای عمومی و افزایش تعاملات اجتماعی نمونه موردی مجتمع مسکونی کوثر و فاز دو مجتمع مسکونی اکباتان» است که به ارائه راهکارها برای جداره‌های بین فضاهای مسکونی در فاز ۲ شهرک اکباتان پرداخته است و از طریق مطالعات میدانی و پرسشنامه‌ای، راه حل‌هایی را برای تقویت تعاملات اجتماعی در فضاهای عمومی ارائه کرده است.

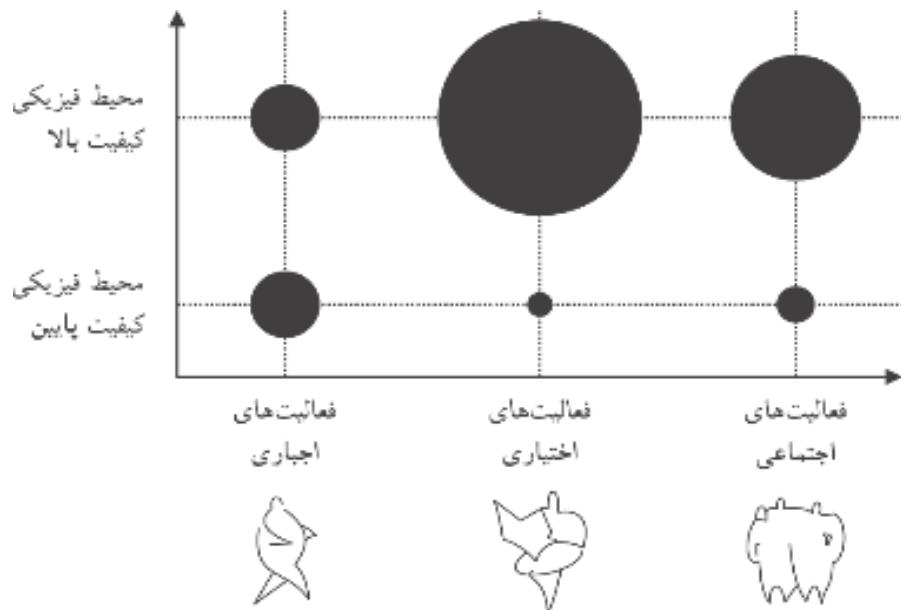
اصلی‌ترین تحقیق در این رابطه، مدل مشهور «دیوید کانتر»<sup>۱۴</sup> از پیشگامان مطالعات ادراکی معماری و طراحی شهری، را میتوان از دیگر چارچوب‌های نظری که قادر به تبیین مولفه‌های کیفیت طراحی محیط‌های مسکونی شهری است، محسوب نمود. بر اساس مدل مذبور که به مدل مکان شهرت دارد، محیط مسکونی شهری به مثابه یک مکان مشکل از سه بعد درهم تنیده‌ی «کالبد»، «فعالیت‌ها» و «تصورات» است. جذابیت و کارایی مدل کانتر باعث شده است که تا دیگر صاحب نظران طراحی شهری نیز با الهام یا اقتباس از آن روایت‌های متنوعی از این مدل ارائه دهند. به عنوان مثال مدل «حس مکان» جان پانتر<sup>۱۵</sup> را که بر سه گانه بودن مولفه‌های دخیل در خلق حس مکان دلالت دارد، می‌توان از روایت‌های فرعی مدل کانتر دانست. بر اساس مدل جان پانتر سه مولفه «کالبد»، «فعالیت» و «معنی» در خلق حس مکان دخیل میباشند که به نحو قابل ملاحظه‌ای با سه مولفه‌ی پیشنهادی کانتر تشابه دارند (گلکار، ۱۳۷۹، ص ۳۱). براساس مدل پانتر سه مولفه «کالبد»، «فعالیت» و «معنی» در خلق حس

## مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری  
Urban Management  
شماره ۴۸ پاییز ۱۳۹۶  
No.48 Autumn 2017

Canter David: دیوید کانتر، متولد انگلستان و استاد روانشناسی محیط دانشگاه لیورپول است. در طول دو دهه گذشته در زمینه نقشه تحقیقاتی روانشناسی فعال بوده است. رویکرد او تامل سیستماتیک در تحلیل رفتار انسان‌هاست. (علیمردانی و همکاران، ۱۳۹۱، ص ۱۳۹۱)

Punter John. ۱۵



نمودار ۴. دسته‌بندی فعالیت‌ها بر اساس نظر بان‌گل؛ مأخذ: گل، ۱۳۸۷، ص ۵.

## مبانی نظری رفتارشناسی و محلات شهری

### مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری  
Urban Management  
شماره ۴۸ پاییز ۱۳۹۶  
No.48 Autumn 2017

۷۰

هر فرد تعدادی نیازهای ذاتی دارد که فعال‌کننده و هدایت‌کننده رفتارهای اوست. این نیازها غریزی هستند، یعنی ما با آن‌ها به دنیا می‌آییم، اما رفتارهایی که ما برای ارضای این نیازها بکار می‌بریم ذاتی نیستند، بلکه آموختنی هستند و از این‌رو افراد در انجام این رفتارها و نحوه ارضای این انگیزه‌ها تفاوت‌های زیادی پیدا کنند (پاکزاد، ۱۳۸۸، ص ۳۲). بر اساس هرم «نیازهای انسانی مازلو»<sup>۱۶</sup> (نمودار ۵) احتیاجات افراد به دو گروه تقسیم می‌شود. دسته نخست نیازهای مادی و جسمانی است که در صورت ارضای این دسته، طیف دیگری از نیازها مطرح می‌شود که به بعد روحی و روانی زندگی انسان باز می‌گردد. بر این اساس یکی از نیازهای انسان‌ها (از جمله شهروندان) نیاز به برقراری تعاملات و روابط اجتماعی است. بدین ترتیب از تعاملات و روابط اجتماعی هم به عنوان یک نیاز فطری و هم وسیله‌ای برای ارضای نیازهای دیگر نام برده می‌شود.

۱۶. آبراهام هرولد مَزلو (به انگلیسی: Abraham Harold Maslow) روانشناس انسان‌گرای آمریکایی می‌باشد. وی به عنوان پدر روانشناسی انسان گرا شناخته می‌شود. او در سال ۱۹۵۴ کتاب «انگیزه و شخصیت» را درباره نظریه سلسله مراتب نیازها منتشر کرد.

جدول ۳. نیازهای انسانی و راهکارهای طراحی جهت برآوردن آنها بر اساس مدل لگ؛ مأخذ: گلکار، ۱۳۷۹، ص ۲۹

نیاز	راهکار طراحی
فیزیولوژیک	کیفیت مسکن، تسهیلات و تجهیزات کافی، آسایش (دما، آفتاب، باران)، تنظیم شرایط اقلیم خرد) و حفظ تعادل بوم شناسی محل
ایمنی	کیفیت ایمنی معابر، امکان نظارت و مراقبت، نفوذپذیری و قابلیت دسترسی و انعطاف پذیری فضاهای مسکونی
احساس تعلق	تامین تسهیلات اجتماعی، تقویت حس مکان، هویت، خوانایی، تناسب بصری
عزت نفس	کیفیت و چگونگی «مالکیت» اراضی و مستحدثات، ایجاد حس فردیت و تعلق داشتن به مکان و گروه خاص
خودشکوفایی	شخصی سازی فضا و رعایت اصل تنوع در طراحی
شناختی و زیباشناختی	تامین امکان فعالیتهای فرهنگی - تفریحی توسط طراحی شهری، خلق مناظر شهری و طبیعی خوب و ایجاد غنا در کیفیات محیطی.

برای ارضای این نیازها، طبق نظر مازلو، انگیزش‌های انسان باید مورد توجه خاص قرار گیرد. این انگیزش‌ها می‌توانند مادی و یا معنوی باشند و با تغییر در این انگیزش‌ها است که ناگهان شکل‌ها و قابلیت‌های محیط‌معنا می‌یابند و یا معنای خود را از دست داده به نابودی می‌گرایند. در مدل مازلو توجه تنها به نیازهای پست بدیل تنزل مقام انسان نکوهش شده است و شناخت انسان سالم را از طریق توجه به نیازهای عالی او امکان‌پذیر می‌داند. مدل ارائه شده در روانشناسی انسان‌گرای مازلو و تعمیم دادن آن بر رفتارهای انسان در فضاهای معماری و شهری می‌تواند سازوکار مناسبی برای تجزیه و تحلیل تعامل و ارتباط انسان و محیط ساخته شده بدهد. این مدل به معماران و طراحان شهری کمک می‌کند تا به علل شکل‌گیری مجتمع‌های زیستی و فضاهای معماری در ارتباط با نیازهای انسان توجه نمایند (مطلوبی، ۱۳۸۰، ص ۶۲). محیط پیرامون ما سرشار از اطلاعات بالقوه (واقعیت) است. ما ابتدا متناسب با توانایی‌های جسمی و روانی خود، بخشی از این واقعیت را به صورت یک عینیت (اطلاعات بالفعل) ادراک می‌کنیم. سپس قضاوت‌هایی را براساس ادراک خود سازماندهی می‌کنیم و بر اساس این قضاوت‌ها، ذهنیتی از محیط برای خود می‌سازیم. این ذهنیت عوامل پایه‌ای در رفتار ما هستند (پاکزاد و همکاران، ۱۳۹۱، ص ۴۵). محیط دور و بر تاثیر عمیقی بر کارهای ما دارد. خلق، عملکرد



هرگاه عملی از شخصی سرزند که با پاسخی از سوی فرد دیگر همراه باشد، اصطلاحاً به این عمل متقابل دو سویه، تعامل اجتماعی یا کنش متقابل اجتماعی گفته می‌شود. در این صورت میان این دو شخص، یک رابطه اجتماعی برقرار می‌شود (عباسزاده، ۱۳۹۱، ص ۵).

نمودار ۵. سلسه‌مراتب نیازهای مازلو؛ مأخذ: گلخ، ۱۳۹۱، ص ۷۲



خودکفایی کامل محله ها را مطرح میکند ولی او عقیده دارد که محله باید جوابگوی نیازمندیهای روزمره ساکنان باشد. به اعتقاد او، محله نقش والدین یک خانوار را دارد که در هر مرحلهای از زندگی یک فرد میتوان «نقش حمایتی»<sup>۲۰</sup> در رشد فرد را داشته باشد. برخلاف مامفورد که از محله انتظار برآورده کردن توقعات روزمره را دارد، لوکوریوزیه محله را یک وسیله رفاهی (بهداشتی، راحتی) می داند که ساکنان خود را از صدمات شهر و زندگی شهری مصون می دارد، و اما هر دو، ارتقاء شرایط زندگی را از محله انتظار دارند.

۴. «محله عنوان شاکله هویتی و معنا بخشی به مکان های شهری»، راپورت (۱۹۹۷) نخستین کسی بود که محله را عنوان ابزاری توصیف کرد که شهروندان با استفاده از آن می توانند هویت خود را بازیابند. دسترسی محلی به نیازها و توانایی ساکنان به معرفی خود در سطح فردی یا جمعی بطوریکه به آنها کمک می کند تا هویت محله خود را تعریف کنند و تمایلات و ترجیحات خود را بیان کنند، فعالیتهای مربوطه را انجام دهند و تفاوتها و پیچیدگیها را در عرضه شهری خلق کنند. و اما از دیدگاه شهرگرایان جدید مانند «کریر»<sup>۲۱</sup> (۱۹۸۴)، «کیتز»<sup>۲۲</sup> (۱۹۹۴) و «دانی»<sup>۲۳</sup>، «پلاتر»<sup>۲۴</sup> و «زیبرک»<sup>۲۵</sup> (۱۹۹۱) مفهوم محله اگر چه سمبولیک است ولی ایجاد ارتباط بین یک «مکان»<sup>۲۶</sup> و «فعالیت»<sup>۲۷</sup> ضروری است. محله عنوان یک فضای عمومی دیده می شود که بطور روزانه

کاری و حتی سلامت جسمی ما تحت تاثیر درونداد حسی است که دائما از این محیط دریافت می کنیم (مک اندره، ۱۳۹۲، ص ۷۱). میان انسان و محیط یک عامل ارتباط وجود دارد. این عامل ارتباط با وجود مشترکی که با فرد و محیط دارد امکان تبادل اطلاعات، نیروها و اعمال تغییرات در طرفین را ایجاد می کند. در واقع به سبب استفاده از نمادها و نشانه های مشترک است که ارتباط برقرار شده و دو پدیده قابلیت ارتباط و تبادل با یکدیگر را پیدا می کند (پاکزاد و همکاران، ۱۳۹۱، ص ۴۶).

### نظریه محله

«کالوس»<sup>۲۸</sup> سیر تاریخی «نظریه محله» را به چهار مرحله تفکیک می کند:

۱. «محله عنوان بستری برای برقراری روابط با سایر کارکنان»: این دیدگاه مشارکت شهروندان در اوضاع و احوال محله زندگی خود را عنوان یک شاخص مهم در کیفیت زندگی شهری میداند. این دیدگاه ابتدا توسط «ترنر»<sup>۲۹</sup> و «فیچتر»<sup>۳۰</sup> در دهه ۷۰ مطرح شد. امروزه این نظریه مجدداً مورد اقبال قرار گرفته و بخصوص در غرب به نقش شهروندان در طراحی محلات سکونتی برای دستیابی به محیط هایی انسانیتر پرداخته شده است.

۲. «محله عنوان واحد خودکفایی (از نظر اداری و مدیریتی) یک شهر»: این دیدگاه توسط هاوارد در نظریه باش شهر (۱۹۵۷) مطرح شد. ارزش این نظریه بیشتر در نظریه با غ شهری هاوارد خودنمایی کند.

۳. «محله عنوان راهکاری برای ارتقاء کیفیت زندگی شهری: مامفورد (۱۹۵۴) بر این عقیده است که پرداختن به محله، تنها راهکار عملی در حل مشکلات کلانشهرهاست؛ هر چند مامفورد استقلال و

### Cooperation Parental .۲۰

krier .۲۱

Katz .۲۲

Duany .۲۳

Plater .۲۴

Zyberk .۲۵

Place .۲۶

Activity .۲۷

Kallus .۱۷

Turner .۱۸

Fichter .۱۹

جامعه پایدار، بایستی از ارزش‌های اجتماعی و نیازهای شهروندی تعریف جدیدی ارائه کرد. «دارلو»<sup>۳۴</sup> (۱۹۹۶) توسعه پایدار یک آرمان فرهنگی است چراکه در جستجوی اصلاح نگرشها و شیوه‌های زندگی است. جنبه‌هایی از توسعه پایدار که با مفهوم محله میتوانند در یک راستا قرار بگیرند عبارتند از: ۱- «خودکفایی»<sup>۳۵</sup>: خودکفایی یک نکته مهم در محیط‌های پایدار است که در مقیاس‌های متفاوت از یک ساختمان تا محله‌ها، شهرها و منطقه‌ها توصیه می‌شود. محله می‌تواند نقش کلیدی در این زنجیره باز کند، اگر چه در واقعیت، داشتن یک محله کاملاً خودکفا در سطح یک شهر دور از ذهن و غیر منطقی است. ۲- «کاهش سفرهای درون شهری»: در ابر شهرهای امروزی کاهش سفرهای درون شهری یک ضرورت است. این هدف می‌تواند از طریق تشویق پیاده روی، دوچرخه سواری و استفاده از حمل و نقل عمومی برآورده شود. تبیه خدمات محلی در یک آستانه قابل پیاده‌روی، توزیع تسهیلات در سطح محله در کنار پراکنش متوازن مراکز فعالیتی در پنهان شهر می‌تواند چنین هدفی را برآورده سازد.

۳. «قابلیت اجتماعی و حسن جمعی»:<sup>۳۶</sup> این مورد نیز از مولفه‌های جوامع پایدار است. پایداری نه تنها با مصرف انرژی و بازیافت مصالح سرو کار دارد، بلکه تمام جنبه‌های زندگی که برای دستیابی به یک محیط مطبوع و اینم لازم است را در بر میگیرد. نقش تعامل اجتماعی بخصوص زمانی پر رنگ میشود که مردم بخواهند در تصمیم سازی های مربوط به محیط پیرامون خود دخالت کنند. «استیوارت و هنز»<sup>۳۷</sup> (۱۹۹۲) تاکید دارند که نیازمندیهای توسعه پایدار نمی‌تواند تحمل شود اگرچه

Darlow .۳۴  
Self – sufficiency .۳۵  
Stewart and Hans .۳۶

توسط ساکنان مورد استفاده قرار می‌گیرد. انتقاد از تئوری محله علی‌رغم بهره‌گیری از تئوری محله برای ارائه راه حل‌هایی درجهت پاسخگویی به مشکلات متفاوت زندگی شهری، مفهوم محله از جهاتی مورد انتقاد قرار گرفته است. به موازات توجه‌های اخیر به «جنبه‌های روانشناسی محله‌ها» در انتقال مفاهیم و بیان هویت، نظریه‌های طراحی شهری به گونه‌ای با نظریه محله در هم آمیخته‌اند. اگر چه در بعضی موارد، این رویکردهای جدید بنظر می‌آید که واسازی مفاهیم گذشته باشد، ولی عمدتاً بدنبال راهحلهای کامل تری برای مسائل شهری هستند:

۱. «کوچک زیباست»: توجه به محدود سازی و کوچکتر کردن نواحی مسکونی از بحث‌های جدید است. «اسمیت»<sup>۳۸</sup> (۱۹۸۰) معتقد است که بنا بر یک باور صریح، « محلیگرایی»<sup>۳۹</sup> و «کوچکی»<sup>۴۰</sup> با ارتقاء کیفیت زندگی ملازم هستند. در این راستا، «گرین برگ»<sup>۴۱</sup> (۱۹۹۵) میگوید ایجاد محله با اندازه محدود، منافاتی با بزرگ بودن شهر ندارد. مدل‌های جدید شکل محله، که بنوعی با الگو گرفتن از طراحی‌های سنتی پیشنهاد می‌شوند در تلاش برای ارائه مزیت‌های توسعه کوچک مقياس هستند. بعنوان مثال، الگوهای روستا شهر<sup>۴۲</sup> در انگستان و طراحی نوشتی<sup>۴۳</sup> در امریکا، بر اساس توجه به کوچک سازی ارائه شده‌اند.

۲. «پایداری»: این رویکرد جدید در طراحی شهری به گونه‌ای صریح و مؤثر با مفهوم محله در ارتباط است. برای دستیابی به یک

Smith .۲۸

Localism .۲۹

Smallness .۳۰

Greenberg .۳۱

Urban-village .۳۲

Neo-traditional Design .۳۳

های اخیر برای ایجاد تمایز اجتماعی بین نخبگان و عوام مطرح شده است. اگرچه این پدیده با هدف تبعیت اجتماعی مغایرت دارد، متنها می‌تواند عنوان نگرشی جدید در استفاده از مفهوم محله مطرح شود.

### هویتمندی محلات

هویت جزء ویژگیهای یک پدیده نیست، بلکه حاصل توافقای میان فرد و پدیده مورد ارزیابی است. بنابراین هویت مفهومی است نسبی که از یک طرف به انسان و از طرفی دیگر به محیط بر می‌گردد و نمی‌تواند قائم به پدیده و ثابت باشد و دیدگاه فرد نیز در آن دخیل است. در شرایط عادی هیچ پدیدهای را بدون درنظر گرفتن ذهنیتی که آن را ارزیابی می‌کند، نمی‌توان مطلقاً و قائم به ذات بیهویت نامید. چون همیشه این احتمال وجود دارد، که پدیده مزبور از منظری دیگر هویتمند باشد. لذا بحث هویت فارغ از ارزش گذاری بوده و نمی‌توان عینیتی که از نظر ما خواهایند است دارای هویت و آنچه ناخواهایند است، بیهویت قلمداد کرد. چراکه هر پدیده هویت خاص خود را دارد، صرف نظر از احساس مطلوب یا نامطلوبی که در فرد بر می‌انگیزد. با این تفاسیر، بحث هویت تها در یک بستر زمانی و مکانی معلوم و از دیدگاه افراد مشخص قابل طرح است (فاسمی، ۱۳۸۳، ص ۶۹).

به منظور تشخیص هویت؛ معلوم بودن عینیت مورد هویت سنجی و ذهنیتی که به سنجش هویت عینیت مفروض می‌پردازد، ضرورت دارد. بخشی از ذهنیات ما مشکل از توقعاتی است که از هر پدیده داریم. به عبارتی پدیده وقتی هویت مند احساس می‌شود که توقعات را برآورده می‌سازد و با ردیابی توقعات امکان تشخیص و تمیز آن به سهولت امکان پذیر باشد. در جریان دنبال نمودن توقعات و تشخیص هویت یکی بودن تصویر ذهنی مورد مراجعته از ابتدا تا انتهای فرایند شرط اساسی است. به عبارت دیگر نمی‌توان از میانه راه مبنای مقایسه یعنی ذهنیت را عوض کرد. بنابراین «فضا نیز همانند هر پدیده دیگری زمانی برای ما دارای هویت خواهد بود که از طرفی بتوانیم آن را موجودی مستقل و یعنی تلقی کرده، از طرف دیگر خود نیز به عنوان

مشارکت فعال جوامع محلی ضروری است.

**۴. «برابری و توازن»:** برابری یک مقوله مهم در توسعه پایدار است. شهری که بر اساس واحدهای همسایگی توسعه می‌باید بستر مناسبی برای توازن و تامین برابری فراهم می‌کند. الکساندر کریستوفر معتقد است که شهرهای بزرگ زمانی مقبول هستند که مراکز متعددی در گستره آنها فراهم و تجهیز شوند و توسعه شهری بصورت ارگانیک بر مبنای این مراکز شکل بگیرد.

**۵. «حس مکان و هویت»:** از دیگر مؤلفه‌های محیط پایدار، برخورداری از حس مکان و هویت خاص است. سکونتگاههای سنتی تناسب و تطابق بهتری بین ساختار فضایی، عنصر زمان، معنا، ارتباطات و فرهنگ اجتماعی برقرار می‌کرند. از طرفی دیگر، رویکردی که با تقلید شکلی از سکونتگاههای سنتی برای دستیابی به مکانهای با هویت اخیراً مرسوم شده است باستانی با شناسایی قابلیتهای واقعی و ویژگیهای انفرادی هر محمل خاص جایگزین شود. به عقیده «هاتون و هاتر»<sup>۳۷</sup> (۱۹۹۴). یک سکونتگاه پایدار باید در پی ارتقاء و حفظ ارزش‌ها و ویژگی‌های مثبت خود در زمینه محیط طبیعی، مصنوعی و فرهنگی باشد.

**۶. «ایمنی و تمایز اجتماعی»:** محله‌های دروازه‌دار<sup>۳۸</sup> امروزه یک پدیده مورد اقبال بخصوص در آمریکا هستند، اگرچه قدمت آنها به ۳۰۰ سال قبل می‌لاد میرسد (۱۹۹۷)، اما اکنون شکل‌های جدیدی از آنها عرضه شده‌اند. این رویکرد جدید می‌تواند عنوان طیفی از تمایلات به خصوصی سازی فضاهای عمومی و تسهیلات رفاهی باشد که در طی دهه

Houghton and Hunter. ۳۷

Gated communities. ۳۸

Blakely et al. ۳۹

مورد استفاده قرار می‌گیرد، که به معنای نمادین، فرهنگی و اجتماعی وقوف حاصل شود. در صورت عدم درک آن معنا، فضای بده درستی فهمیده نشده و یا در آن احساس راحتی نخواهد شد. در این صورت ناهمخوانی فضای با انسان وجود می‌آید. ناهمخوانی فضای با انسان موجودات عدم ارتباط یا ضعف ارتباط آن دو را فراهم می‌آورد. و بین فرد و فضای ناهمخوان عامل هویتی پیدا نمی‌شود. در صورت عدم ارتباط بین فرد و فضای حادثه‌ای به نام بحران هویت بروز خواهد یافت (پاکزاد، ۱۳۷۵، ص ۱۰۴).

## اصول حاکم بر طراحی در مقیاس محله

۱. «**مقیاس و تناسب**»: منظور از تناسب رابطه میان ابعاد مختلف یک فضای یا یک شئی است و رابطه ای مستقل از اندازه. در مورد فضای نسبت بین ارتفاع ساختمانها و عرض فضای اعم از اینکه فضای کاملاً محصور یا نیمه محصور باشد، موضوع تناسب را تشکیل میدهد. و اگر تناسب، درست و انسانی باشد؛ از نظر روانی در ناظر احساس آرامش خواهد کرد. اما مقیاس به رابطه بین اندازه یک فضای یا یک شئی با فضاهای اشیاء اطراف آن مربوط می‌شود. بررسیهایی که در مورد شهرهای قدیمی غرب صورت گرفته، نشان میدهد که اگر نسبت ارتفاع ساختمان به عرض فضای خطی از ۱:۱ تجاوز کند، ممکن است به ناظر نوعی احساس ترس از تنگی فضای دست دهد. و اگر این نسبت از ۱:۵/۵ باشد، ناظر احساس میکند که فضای بیش از اندازه گشاد است. به نظر طراحان غربی وقتی میتوان گفت فضای خارجی بهنحو مطلوبی محصور شده است که نسبت ارتفاع ساختمان به عرض آن، تا یک باشد. اگر این نسبت از یک کمتر باشد، خصوصیت محصور بودن فضای بین میرود. بهطور کلی با بررسی نمونه های مقیاسها و تناسبات در مجموعه شهری سنتی ایران میتوان برای فضاهای ایستاد از نسبت ارتفاع به عرض ۱ به ۲ تا ۱ به ۱/۶ پیشنهاد داد و

موجودی عینی در آن فعالیت و رفتار نماییم و بالاخره بتوانیم ذهنیات ناشی از ادراک آن را با ذهنیات خود تطبیق دهیم» (پاکزاد، ۱۳۷۵، ص ۱۰۴) و اگر فضای مورد اشاره، تداعی هایی در ذهن فرد ایجاد کند، خاطراتی زنده نماید یا برایش معنای خاصی داشته باشد از پدیده ای عینی به موجود ذهنی تبدیل شده، جای خود را در رده ذهنیت باز میکند و مکان نام می‌گیرد. و مکان وجهی از فضا است که به وسیله شخص یا چیزی اشغال شده است و دارای بار معنایی و ارزشی می‌باشد. (مدنی پور، ۱۳۷۹، ص ۳۲). این همانی را می‌توان با انس یافتن با فضا مترادف دانست. تعلق مکانی به معنی رابطه هم پیوندی میان انسان و محیط از دیگر بعثات احراز هویت است. مردم به فضاهای هویت نیازمندند تا به آنها تعلق داشته باشند. نیاز به تعلق مکانی به حدی است که حتی اگر فردی درصد نفی تعلق خود به یک مکان خاص باشد، این کار را با متسب کردن خویش به یک مکان دیگر انجام می‌دهد (قاسمی، ۱۳۷۵، ص ۸۵) و خاطره عامل تشدید تعلق مکانی است و حتی می‌تواند این تعلق را به تعلق خاطر بدل نماید. خاطرات همیشه در ذهن باقی می‌مانند و فرد نمی‌تواند از آنها دور شود. پس خاطره یک منبع ذهنی خودجوش است. خاطره بیش از آنکه منوط به زمان باشد، در بند مکان است. خاطره به واسطه مکان، قابل ارجاع است و زمان، تنها به ردیف کردن پشت سر هم خاطرات کمک می‌کند. زمان از طریق ردیف کردن خاطرات به طرق متفاوت به فضای امکان چند وجهی بودن و تغییرپذیری در ذهن فرد را می‌دهد. خاطرات گاه جنبه شخصی دارند و گاه خاطرهای در حافظه جمعی جای می‌گیرد و تبدیل به یک خاطره جمعی می‌شود. هویت و خاطره با هم در ارتباطند، چرا که همه بخشی از تصویر ذهنی شان را بر اساس خاطراتشان می‌سازند و از دست رفتن جایگاه عینی آن خاطره عمل انتبطاق ذهنیت و عنیت را مختل نموده، فرد را در احراز هویت مکانی با مشکل رویرو خواهد ساخت (حبیبی، ۱۳۷۸، ص ۲۶-۲۷).

بی‌هویتی به معنای سلب هرگونه امکان تشخیص مفهومی است که در دنیای واقعی و با قانونمندی های مادی حاکم بر آن شاید هیچ گاه به صورت مطلق نمود نیابد. زمانی فضای شناخته شده و

بررسیهایی که در غرب صورت گرفته، مسئله دفاع از قلمرو و حد و مرز را به حیوانات نیز تعمیم می‌دهد.

۲. «اصل توکینندی»: در صورتیکه بناهای مختلفی با هم ترکیب شوند و فضایی را محصور کنند، لازم است مابین این بناها آنچنان هماهنگی از نظر وحدت شکل برقرار باشد که بدنه محصور کننده علیرغم تشکیل از ساختمانهای مختلف صورتی پیوسته پیدا کند. در این صورت به جای کلمه ساختمانهای مختلف میتوان کلمه واحدهای همانند و هماهنگ را به کاربرد که مجموعه آنها پیوسته و هماهنگ است. این خصوصیت هماهنگ کننده و پیونددنه را میتوان هویت معماری نامید. که در مورد ساختمانهای مجموعه شهر نیز مانند ساختمانهای بدنه یک گذر یا یک خیابان یا میدان مصدق پیدا میکند. در صورتی که میان بناهای مختلف محصور کننده فضا ناهمانگی شکلی وجود داشته باشد و عناصر ترکیبکننده نمای هر ساختمان حداکثر برای خود بدون ارتباط با ساختمانهای مجاور طراحی شده باشند، مجموعه فاقد ترکیب است. حالت یکنواختی و خطی محور را با شکستن فضای خطی یکنواخت به چند فضای تنگ و گشاد می‌توان به صورت پویا و ایستا با ترکیب بدنه های متفاوت اما هماهنگ تعیین نمود. این امر در واقع کاهش دادن درازای فضا و ایجاد تغییراتی در فضاست که آنرا از نظر بصری جالب می‌نماید. در چنین حالتی ترکیب فضاهای متباین باید بگونهای باشد که ناظر با عبور از تسلسل فضاهای احساس یکنواختی نکند. درواقع حرکت ناظر در هر فضا زمانی طولانی نخواهد بود و پیش از احساس یکنواختی وی به فضای دیگری جذب خواهد شد. علاوه بر این فضا نیز دارای مقیاس انسانی باشد و طول آن با سرعت حرکت پیاده تنظیم گردد. ترکیب متفاوت اما هماهنگ بدنه هر فضا از

برای فضاهای پویا نسبت ارتفاع به عرض ۱ به ۱ تا ۳ به ۱ پیشنهاد داد.

۲. «اصل مقارن در فضا شهری»: اغلب فضاهای معماری در شهر ایران ضمن متناسب بودن و داشتن مقیاس انسانی مقارن نیز هستند.

۳. «اصل تباین فضایی»: فضاهای متباین به فضاهایی گفته میشود که از نظر خصوصیات عرض و طول، ارتفاع از یکطرف و عناصر و اجزا محصور کننده از طرف دیگر با یکدیگر تفاوت دارند. در فضاهای شهرهای سنتی ایران فضاهای متباین زیاد دیده میشوند که در غرب کمتر یافت می‌شود. متباین بودن فضاهای یکنواختی فضاهای ارتباط دهنده را کاهش میدهد. از ویژگی مهم فضاهای متباین، پهن و باریکشدن فضا و سریاز و سربسته بودن آن است، تفاوت در نحوه محصور کردن، فضاهای از نظر مقیاس فضا و تناسب جزئیات بدنه محصور کننده فضا میتواند خصوصیت تباین را بین رشتهای از فضاهای تشدید نماید. در طراحی فضاهای متباین باید خصوصیات تفاوت و جاذبه بصری و قلمرو مورد توجه قرار گیرد.

روش طراحی چنین فضاهایی با تغییر مقیاس و خصوصیت محصور نمودن فضاهای ممکن میگردد (همان، ص ۶۳-۶۴):

۱. «اصل قلمرو در فضاهای شهری»: انسان سعی در مشخص نمودن حد و مرز یا قلمرو فضایی که در آن زندگی می‌کند دارد. این حد به دو صورت خصوصی و عمومی قابل تشخیص است. فضای خصوصی قلمرو فضایی یک یا چند نفر را مشخص میکند و فضای عمومی نشانده فضای همگانی است. حد وسط بین فضای عمومی و خصوصی بحث بسیار قابل توجهی است که در شهرهای سنتی و قدیمی ما همواره به آن توجه داشتند.

۱۳۸۶، ص ۷۶). به نظر میرسد که همبستگی اجتماعی دارای معنای گسترهای بوده و بعاد و سطوح مختلفی را در برگیرد. همبستگی اجتماعی را در سطح محله‌ای در سطح شهری و در سطح ملی میتوان بررسی کرد. همچنین می‌توان همبستگی اجتماعی را در پیوندهای همسایگی و شبکه‌های اجتماعی و مشارکت‌های مدنی شهروندان جستجو کرد. در همبستگی‌های ملی معیارهای کلان، چون ارزشهای ملی و مذهبی مشترک، اهداف، زبان، تاریخ، فرهنگ، مذهب و ملیت مشترک عواملی هستند که سبب ایجاد همبستگی اجتماعی در سطح کلان می‌شوند، در حالی که در سطوح خرد و میانی علاوه بر عوامل فوق الذکر عوامل دیگری نیز دخیل می‌باشند. در سطح محله‌ای همبستگی اجتماعی در قالب روابط فردی و شبکه‌های ارتباطی بین افراد و هنجارها و ارزشهای غیر رسمی حاکم بر آنها مطرح می‌شود. در مقیاس خرد همبستگی اجتماعی را با گروه‌ها و نهادهای محلی همچون انجمن‌ها، باشگاهها و تشکلهای مردمی، ویژگیهای اجتماعی و فرهنگی ساکنان یک محله، میزان و شدت پیوندهای همسایگی، وجود شبکه‌های اجتماعی رسمی و غیررسمی در محله، مشارکتهای مردمی در محله و وجود اعتماد اجتماعی میان افراد محله ارزیابی می‌کنند (الوانی و سید نقوی، ۱۳۸۲، ص ۱۱).

## هویت شهروندی در محله و حس مکان

هویت یکی از مهمترین مسائل و چالش‌های پیش روی جوامع در حال توسعه، در طی فرآیند جهانی شدن و جهانی سازی عصر حاضر است که تعاریف متعددی از این واژه به عمل آمده است؛ در فرهنگ لغات واژه هویت بصورت زیر معنی شده است: حقیقت شی یا شخص که مشتمل بر صفات جوهری او باشد، شخصیت، ذات، هستی و وجود، منسوب به‌هو، شناسنامه، چیستی، خود، کیستی، همانی و همانستی. محله‌های شهری یکی از کانون‌های خرد و ملموس شکل گیری هویت‌های فرهنگی و تعلق اجتماعی هستند. ارزشها و هنجارهای محله‌ای نخستین برخورد ملموس افراد با هویت فرهنگی را شکل میدهند و اغلب به صورت مناسبات رویارویی،

یکنواختی فضایی کاحد (همان، ص ۷۶).

۳. «ترکیب توده و فضا»: توده ساختمانی و فضا دو جزء یا دو عنصر اساسی ترکیب معماری یا مجموعه‌ای از شهر است. آگاهی از فضا یکی از اصول پایه‌ای در معماری و شهرسازی است، در صورتیکه امروزه طراحان فضا را به اندازه توده ساختمانی مورد توجه قرار نمی‌دهند. متخصصین غربی که مدت‌های زیادی به تحقیق در مسئله حجم و فضا پرداخته اند، اعتقاد دارند که اغلب طراحان کور فضایی هستند. بدین معنی که حجم ساختمانها را می‌بیند ولی از درک فضای بین آنها عاجزند. درحالیکه معماری در واقع ترکیب حجم و فضاست. و طراحی عبارتست از برقراری رابطه متقابل بین توده و فضا (همان، ص ۷۸).

## همبستگی اجتماعی در محله و هویت

«همبستگی اجتماعی» از جمله مفاهیمی است که در دهه‌های اخیر در میان نویسنده‌گان و نظریهپردازان رشته‌های مختلف در زمینه‌های علوم انسانی رواج پیدا کرده است. اصطلاح «همبستگی اجتماعی»<sup>۴۰</sup> برای نخستین بار توسط «امیل دورکیم»<sup>۴۱</sup> جامعه‌شناس فرانسوی مطرح شد (کورز، ۱۳۸۷، ص ۱۹۱). همبستگی اجتماعی در واقع شاخصی برای شناخت میزان وحدت و انسجام گروه و جامعه است و بعارتی کشش (احساس تعلق و همسرونوشتی) بین اعضای گروه و جامعه را نشان می‌دهد. همبستگی اجتماعی عاملی است برای تسهیل ارتباطات اجتماعی با وجود چنین عاملی شهروندان می‌تواند با یکدیگر روابط متقابل داشته و از پیامدهای مثبت آن سود ببرند. از این مفهوم تحت عنوان چسب اجتماعی نیز نام برده می‌شود که افراد و گروه‌ها را در کنار یکدیگر نگه میدارد. این چسب در واقع همان ارتباطات میان افراد یک گروه است که شامل تعاملات، شبکه‌ها و ظرفیتها می‌شود. بدون چنین چسبی ما در واقع فقط با یک گردهمایی انسانها در کنار یکدیگر مواجهه هستیم (موسوی، social cohesion .۴۰

را آسان گرداند و نه آن که معنا و احساسی که هم اکنون وجود دارد است تقویت کند. نقش مهم دیگر آن ممکن است این باشد که بعنوان عامل هادی و محرّک، تفχصات تازه را موجب شود. در جوامعی که اساسی پیچیده دارند، روابط متقابل فراوان بین آدمیان و موسسات موجود است که باید ماهیت آن را شناخت و بر آن تسلط یافتد. اگر بافت و اساس محیط جوامع انسانی مرئی و روشن باشد و اجزا آن وجود خصوصیات مشخص، تفχص و مشاهده آن هم آسان تر می شود و هم مطلوبتر؛ بنابراین شرایط محیطی با زیبایی بصری نقش مهمی در شکل گیری روابط افراد دارد.

## فضای اجتماعی در محله و ویت و حس مکان

رابطه اجتماعی در فضا و زمان اتفاق میافتد. مجاورت میتواند علت شروع رابطه اجتماعی باشد، اما شرط کافی آن نیست و میزانی از تجسس برای حفظ این روابط لازم است. ساختار فیزیکی و تقسیمات عملکردی فضا ممکن است گشاینده یا محدود کننده فرصتها برای ارتباط باشد. رابطه اجتماعی و فرهنگی در فضا اتفاق میافتد؛ بنابراین فضا مجموعه‌ای از روابط اجتماعی و فرهنگی میان گروه خاص و مکان خاص را در بر میگیرد. رابطه اجتماعی و فرهنگی مدت زمان خاصی دارد. بنابراین زندگی اجتماعی در فضا و زمان واقع شده و توسط آنها محدود می شود. نوع روابطی که در فضا برقرار می شود و شدت آن، به فضا معنی میدهد (طالبی، ۱۳۸۳). «دیر»<sup>۱</sup> و «والش»<sup>۲</sup> معتقدند که روابط اجتماعی می توانند در فضا شکل بگیرند و همچنین توسط شکل فضا، مورد تهدید قرار گیرند (کارمونا و همکاران، ۱۳۸۸). یکی از مهمترین نیازهای انسان در فضای عمومی، نیاز به برقراری تعامل و ارتباط با سایرین و عناصر محیطی در فضای عمومی شهری است. فضای شهری ظرف و مکان بروز زندگی اجتماعی افراد جامعه است که بر اساس پایه های فکری خردگرایانه، مشارکت مدنی آحاد جامعه و رفتارهای جمعی شکلگرفته بر

حس تعلق اجتماعی را تقویت میکنند. در محله عمدۀ زمان ساکنان محل در کوچه و خیابان میگذرد و برای ساکنان آن محیط محله بیش از فضای داخلی خانه رضایت بخش است. اغلب در محله‌های شهری کیفیت واحد فیزیکی منطبق با رفتارهای اجتماعی است. از اینرو هر محله واحد مشخصاتی جدا از سایر محله‌های شهری است. استفاده از مؤسسات محله مثل مراکز مذهبی، باشگاه، قهوهخانه به مردم امکان می دهد که خود را در یک محدوده کاملاً مقید احساس کرده و در نتیجه تعلق بیشتری نسبت به محله مسکونی خوبیش پیدا کنند؛ چراکه اجتماع شهری باعث میگردد که کنش متقابل اجتماعی و جامعه مدنی شکل گیرد و واحد مکانی که این کنشها عمدتاً در آن شکل میگیرد محله میباشد؛ بنابراین توجه به بعد اجتماعی محله قلمروهای اجتماعی و غیرکالبدی یکی از ضروریات محیط قابل زیست شهری است و ایجاد عناصر کالبدی که بتوانند مزهای قلمروی اجتماعی را هرچه بیشتر متبلور سازد، میتواند به ساماندهی بیشتر کنشهای متقابل در اجتماع انسانی منجر شود.

## دید بصری در بافت محله، هویت و حس مکان

سیما و شکل شهرها درعرض دید مستمر میلیون ها نفر از مردم قرار دارند و بیش از هرچیز دیگر از طریق دید بر روحیه مردم تأثیر میگذارد. این شکل می تواند همانند هنر موسیقی، ادبیات و نقاشی کاملاً موزون، و یا با اغتشاش همراه، و بر رفتارها، فعالیتها و ارتباطات شهری تأثیری نامطلوب بر جای گذارد (بحرینی، ۱۳۸۶، ص ۲۱۰). به نظر لینج شهرها تشکیل شده از پنج عنصر «را، گره، لبه، نشانه و محله» است. در ساخت شهرها و محلات بوسیله این عوامل باید مجموعه ای طرح شود که واجد تسلسل اجزا آن تنها در زمینه که قرار دارد و با سایر اجزا به احساس آید. فرمها باید چنان طرح شوند که سیمای اجزا مختلف را رشته ای بهم پیوسته به یکدیگر مرتبط دارد و این پیوستگی و ارتباط در شب یا روز، زمستان یا تابستان، دور یا نزدیک به احساس آید. نقش محیطی که مظاهر بصری نیکو دارد این نیست که صرفاً عبور و مرور

جامعه تعامل میکنند، رابطه قویتری با مکان و جامعه خود احساس می نمایند.

**۲. «فعالیت و کاربری»:** رویدادهای اجتماعی، نوع فعالیت ها و کاربری های موجود درون فضا و توان آنها در جذب افراد و گروه های مختلف، مهمترین عامل در پویایی فضاهای عمومی و فعال بودن آن در ساعات و فصول مختلف است و شاخص ارزیابی این بعد، میزان و دفعات مراجعه افراد به فضا و مشارکت در فعالیت های مختلف است.

**۳. «دسترسی و ارتباط»:** این ویژگی می تواند در امنیت و عملکرد مثبت فضا موثر است. امکان دسترسی، تداوم حرکت و حضور گروه های اجتماعی ویژه در نقاط مختلف فضا، از جمله شاخص های تعیین کننده می باشند.

**۴. «تصویر ذهنی و آسایش»<sup>۴۳</sup>:** تصویر ذهنی با چگونگی سامان دهی کالبدی فضا و دریافت آسایش ذهنی از فضا، در ارتباط است. تشخص و خوشایندی بصری فضا در جذب مردم موثرند که سبب می گردد مردم آن را جهت توقف، قدم زدن و تجربه حیات جمعی انتخاب نمایند (دانشپور و همکار، ۱۳۸۶).

## امنیت و آسایش در محله و هویت و حس مکان

حضور فعال مردم در شهر، از عوامل افزایش امنیت در فضای شهری است. تسلط بر فضا و دیده شدن آن توسط مردم، موجب ایجاد حس ایمنی است فضاهایی دارای کیفیت بالا هستند که وسیع ترین دامنه فعالیت های پیاده را امکان پذیر می کنند. حذف ترافیک به افراد پیاده امکان حرکت بدون مانع، امنیت و آسایش و آزادی برقراری ارتباط را میدهد. نهایتاً حذف کاربریهای زماندار و اداری از بدنیه بالا فصل فضا و همچنین ایجاد واحدهای

پایه ارزش‌های انسانی شکل می گیرد. این تعامل اجتماعی و مشارکت مردمی را میتوان عنصر اصلی و اساسی محتوای فضای شهری برشمرد که روابط انسانی و فعالیت های شهری را تحت تاثیر خود قرار می دهد. میل به پیوند با دیگران و نیاز به بودن با دیگران، انگیزه ای است تا فرد را در بستر فضای عمومی شده و در دسترس همگان قرار داده، به تعامل با سایر افراد انسانی و نیز با محیط اطراف خویش وارد و در این کنش ها و واکنش های انسانی و محیطی است که مکان عمومی در قالب (فضای شهری) نمایان می شود (منصوری و همکاران، ۱۳۹۰). مفهوم تعامل اجتماعی معطوف به مجموعه پویش ها، گرایش ها و نگرش هایی است که بر پایه عقلانی تجمعی، باورهای مردم‌سالاری، خودبازاری، خردگرایی و قانونگرایی است (پارسی، ۱۳۸۱) و (ستارزاده و همکاران، ۱۳۸۹). فضاهایی به لحاظ تعاملات اجتماعی موفقاند که از تعامل پویا، تبادل اطلاعات، کسب تجارب محیطی، امکان بیان خلاق افراد و گروههای حمایت کنند که این امر خود میتواند منجر به افزایش حس همبستگی اجتماعی و در نتیجه رضایت مندی بیشتر گردد. تعامل اجتماعی به معنای ایجاد رابطه بین دو نفر یا بیشتر است که منجر به واکنشی میان آنها شود و این نوع واکنش برای هر دو طرف شناخته شده است. بنابراین روابط بدون معنا در زمرة این تعریف قرار نمی گیرند. البته تعاریف دیگری نیز برای تعاملات اجتماعی وجود دارد به عنوان نمونه، تعامل اجتماعی و برقراری ارتباط، میتواند یک موضوع فیزیکی، یک نگاه، یک مکالمه و ارتباط بین افراد باشد که خود مستلزم تعریف رویدادها و فعالیت‌های متناسب و در نتیجه نقش‌پذیری مردم در فضا و عضویت آنها در گروههای و شبکه‌های اجتماعی است (دانشپور و چرخچیان، ۱۳۸۶، ص ۲۲). تعاملات اجتماعی با حضور اشیا مختلف در فضا می تواند رخدهد (Lubis & other, 2010):

**۱. «اجتماع‌پذیری»<sup>۴۴</sup>:** یکی از مهمترین ابعاد و ویژگیهای عمومی ایجاد فرصت های لازم جهت تعاملات اجتماعی می باشد. هنگامی که مردم با سایر افراد

ترکیب کلی حس مکان در سطوح محلات همانند نقش نتهای موسیقی در یک دستگاه موسیقیابی و یا نقش واژه‌ها در یک متن ادبی است. تاثیرات متفاوتی که از انواع مختلف ترکیب اجزا در موسیقی و یا ادبیات حاصل می‌شود، شکفتاور است. و این امر در مورد خلق فضاهای شهری در هر مقیاس به ویژه در مقیاس محله نیز شگفتی آور خواهد بود. آنگی که از طریق ترکیب توده و فضای محله تولید می‌شود، تاثیری مستقیم بر ساختار یا عابران محله داشته و آنان را به هماوایی با خود وادر می‌سازد. بدین ترتیب کیفیت تجربه‌ای که از این مشارکت‌ها حادث می‌شود، بیانگر کارآیی نیروهای ارسال شده از توده و فضا بوده و خاطره‌انگیز می‌گردد. این دگرگونی در همه جوانب از جمله در شکل نماها، انواع فضاهای رابطه فضاهای با یکدیگر، نحوه سارماندهی و تزیینات صورت می‌پذیرد. اما اگر در ناحیه یا منطقه‌ای در طول یک دوره تاریخی تغییرات اساسی در الگوهای رفتاری و شیوه اسکان رخ ندهد، طبیعی است که در شکل واحدهای مسکونی نیز شاهد دگرگونی مهمی نخواهیم بود.

جدول ۴. معیارهای موثر بر تصویر ذهنی و کیفیت از دیدگاه صاحب‌نظران؛ مأخذ: نگارنده بر اساس یافته‌های تحقیق.

شناختها و معیارهای حاصل شده از فراتحلیل تحقیقات انجام شده	اندیشمند
شکل؛ آثار تاریخی؛ محصوریت؛ توده تعریف کننده فضا؛	کامیلوسیته
تناسب؛ دسترسی؛ نظارت و اختیار؛ کارایی؛ سرزندگی؛ معنی؛ عدالت.	کوین لینچ
تنوع؛ تمرکز؛ امنیت؛ مقیاس مناسب؛ طراحی ارگانیک؛ اقتصاد و ابزارهای مناسب آن؛ روابط خلاقانه؛ انعطاف پذیری؛ دموکراسی؛ نفوذپذیری؛	هاتن و هاتنتر

مسکونی در طبقات بدنی مسیر نه تنها به سرزندگی آن کمک مکند، بلکه باعث امنیت بیشتر مسیر و امکان نظارت بر فضا در طول شباهه روز نیز می‌شود (پاکزاد، ۱۳۸۱، ص ۴). آسایش محیطی از مؤلفه‌های مهم و اساسی محیط‌های انسان برای سکونت و زندگی است. شهرها مانند خانه محسوب می‌شوند و هما نگونه که خانه باید از صفات و مزایایی برخوردار باشد تا سکونت و زندگی را مطلوب و آسایش بخش سازد، شهر نیز باید دارای کیفیات و ویژگی‌هایی برای تأمین آسایش، راحتی و امنیت باشد. همچنین شهر مانند خانه باید محیطی گرم و صمیمی و دلپذیر باشد تا امکان زندگی مطلوب را فراهم سازد (صالحی، ۱۳۸۲، ص ۲).

## خوانایی و تجربه‌های زیباشناختی و هویت و حس مکان

شناخته وضوح و خوانایی نشانگر میزان اطلاعاتی فضایی است که می‌توان به صورت بصری از یک فضا به دست آورده بنا براین وضوح و خوانایی شهر ارتباط مستقیمی با مفهوم بازسازی کل شهر در ذهن و کنار هم چیدن این قطعات در کنار یکدیگر دارد بنا براین وضوح رابطه‌ای میان ویژگیهای محلی و فرآگیر فضای شهری می‌باشد (Hiller, 2007؛ 40-32).

## نتیجه‌گیری و جمع‌بندی

در نهایت می‌توان گفت؛ مفهوم محله دارای نقش کلیدی در رویکرد فرهنگی به طراحی شهری است و دیدگاههای متنوعی در رابطه با اهمیت و نقش محله مطرح شده‌اند. گسترش فن آوری و شدت استفاده از وسیله نقلیه شخصی، وابستگی افراد را به قلمرو سکونتی و خدمات فراهم شده در آن کاهش داده و تعاملات اجتماعی را در مقیاسی فراتر میسر نموده است. تکنولوژی‌های ارتباط جمعی، مرزها را به مقیاسی جهانی کشیده است بدون محدودیت فاصله. از طرفی دیگر، نیاز به ارتباط چهره به چهره هنوز زوال نیافته و اهمیت طراحی محله در توانایی آن برای ارتقا تعامل اجتماعی واضح است. موارد زیر خلاصه ای از ادبیات موجود در زمینه محله هاست. نقش عناصر سازنده استخوانبندی محله در

<p>فضای همگان؛ ایمنی و امنیت؛ منظر شهری؛ اختلاط و تراکم؛ همه شمول بودن؛ مدیریت زمانی فضا؛ دسترسی؛ سخت فضا و نرم فضا؛</p>	<p>متیو کارمونا</p>	<p>آگاهی از بیوسفر و احساس سرنوشت مشترک؛ حفاظت اکولوژی؛ تنوع؛ تحرک؛ حس محله؛ حس تداوم؛ انتخاب محل سکونت؛ اجتناب از جدایی اجتماعی و امکان گستته شدن از پیوندهای اجتماعی.</p>	<p>مارگاریت مید</p>
<p>قابل قرائت بودن میراثهای فرهنگی؛ لحاظ نمودن پیوندهای بومی- منطقه ای در قالب طرحها؛ قراتپذیری؛ آزادی انتخاب؛ ایجاد انگیزش از طریق کاربرد فرمهای شهری متاین؛ امکان زندگی اجتماعی.</p>	<p>ویولیچ</p>	<p>اهمیت مکانها نسبت به ساختمانها؛ ادغام کاربریها و فعالیتهای شهری؛ توجه به مقیاس انسانی؛ توجه به رشد تدریجی و پویای محیط؛ ادغام مضامین نه گانه و دستیابی به ترکیبیهای موثرتر محیطی؛ تامین آزادی عابران پیاده؛ ایجاد خوانایی و وضوح محیط؛ توجه به ماندگاری و پایداری محیطی؛</p>	<p>فرانسیس تیبالدز</p>
<p>نفوذپذیری؛ گوناگونی؛ خوانایی؛ انعطاف پذیری؛ تنشیات بصری؛ غنای حسی؛ رنگ تعلق.</p>	<p>بنتلی و همکاران</p>	<p>کیفیت منظر شهر؛ کیفیت دیدها؛ کیفیت فرم شهر؛ کیفیت پایداری زیست محیط؛ کیفیت فرم ساختمان و کیفیت عرصه همگانی.</p>	<p>جان پانتر و کارمونا</p>
<p>حق تصرف مطمئن؛ اقتصاد فعال؛ کنترل های اجتماعی موثر؛ تصمیمات مشارکتی و فقدان جدایی اجتماعی؛ آب پاک؛ خدمات اساسی؛</p>	<p>باربارا اوارد و همکاران</p>	<p>آسایش و منظر؛ استفاده و فعالیتهای دسترسی و به هم پیوستگی؛ اجتماع پذیری.</p>	<p>PPS</p>
<p>وجود خدمات بهداشتی مفید و قابل دسترس برای کلیه ساکنین؛ بالا بودن کیفیت کالبد مسکن؛ وجود اکوسیستم های سالم؛ وجود محلات فعال و معنی دار؛ نیازهای اولیه هر شهروند؛ وجود روابط اجتماعی در حد معقول؛ وجود اقتصاد متنوع و خودکفا؛ تنوع فعالیت های فرهنگی.</p>	<p>دوهل</p>	<p>برخوردهای معنی دار اجتماعی؛ معرفی هویت اجتماعی؛ افزایش احساس راحتی؛ دسترسی های خوب؛ جذب اقسام مختلف؛ حمایت اقتصادی.</p>	<p>جین جیکوبز</p>
<p>دسترسی به فرستهای، تخیل و شادی؛ اصالت و معنا؛ زندگی اجتماعی و همگانی؛ خوداتکایی شهری؛ سرزندگی؛ هویت و کنترل؛</p>	<p>آلن جیکوبز و اپلیارد</p>	<p>نفوذپذیر بودن؛ استفاده از کاربری مختلف چه به لحاظ نوع استفاده و چه از نظر حضور اینیه با سنهای مختلف در یک ناحیه؛ توجه به عنصر خیابان؛ اختلاط اجتماعی و انعطاف پذیر بودن فضاهای قابل دسترس بودن بافت؛</p>	<p>جین جیکوبز</p>
<p>محصوریت فضاهای پیوستگی لبه؛ کنترل محورها و پرسپکتیوهای ممزوج نمودن فضاهای درون و بیرون.</p>	<p>ترانسیک</p>		

ساوت ورث	باز بودن فضاهای سرزنده‌ی و حیات؛ تنوع؛ تجانس؛ شادی و شفه؛ معنی؛ سلامتی و ایمنی؛ مرمت و نگهداری، خوانایی؛ شکل دسترسی؛ راحتی و آسایش؛ حفاظت از محیط؛
کولمن	بستر و محیط فرهنگی؛ بستر و محیط طبیعی؛ توجه به ارزشهای معمارانه محیط؛ حفاظت تاریخی و مرمت شهری؛ طراحی برای پیاده‌ها؛ سرزنده‌ی و تنوع استفاده؛
پاکزاد	همانگی؛ نظم؛ ماندگاری؛ پایداری؛ تغییرپذیری؛ زیبایی؛ وحدت؛ هویت؛

لذا همزمانی و در زمانی مجموعه رفتارها، هنجارها و فعالیتها در فضای توانند به مثالهای نیروهای پیوند دهنده‌ی عناصر منظر بصری و استخوانیندی محله نقش مهمی اینا نمایند. مرحله اول آن است که عناصر و عوامل شکل دهنده محله به گونه‌ای استقرار یابند که بتوانند فضای تعامل بین توده و

جدول ۵. متغیرها، شاخص‌ها و گویه‌های بررسی کیفیت محلات؛ مأخذ: نگارنده بر اساس یافته‌های تحقیق.

گویه‌ها	شاخص‌ها	کیفیت محیطی	متغیر
۱. تمیزی آب و هوای ۲. پاکیزگی محیط محله؛ ۳. امکان پیاده روی و دوچرخه سواری	ویژگی‌های زیست محیطی		
۱. دسترسی به فضای سبز؛ ۲. دسترسی به خدمات تجاری روزمره؛ ۳. دسترسی به فضای بهداشتی و درمانی؛ ۴. دسترسی به فضای آموزشی موردنیاز؛ ۵. دسترسی به ایستگاههای حمل و نقلی	دسترسی		
۱. جرم و جرم خیزی در محله؛ ۲. آلودگی صوتی ناشی از حمل و نقل عمومی	ایمنی و آسایش		
۱. رویداد تاریخی مهم؛ ۲. مکان تاریخی مهم؛ ۳. احساس تعلق به محله	هویت		
۱. هماهنگی محیط با فرهنگ ساکنین؛ ۲. هماهنگی ساختمانها به لحاظ فرم؛ ۳. مناسب بودن نمای ساختمان‌ها؛ ۴. میزان زیبایی محله از دید ساکنین	دید بصری		
همکاری با سازمانها و شورای ایاری‌ها	روابط رسمی		
۱. برنامه ریزی برای بهبود مدیریت محلی، ۲. کمک در رفع مشکلات محله؛ ۳. تمايل کمک به همسایگان	روابط غیر رسمی (مشارکت)		

عوامل مؤثر در شکلگیری و تعریف شخصیت مکان، هویت تصویر و شخصیت مشاهده و تصویر شده را تشکیل می‌دهند:

عملکردهای موجود در فضا		ویژگی های فرهنگی - معنایی؛ مهمترین ویژگی که در تبدیل محیط به مکان مؤثر است، کیفیت معنایی محیط می باشد. محیط پیرامونی در صورتی میتواند به محیطی بامنا تبدیل شود که امکاناتی غنی در تعیین هویت ارزانی دارد و پیوندی سرشار از معاشر را با جهانی مشکل از آشیا و چیزهای مختلف برقرار سازد.
توجه به تنشیات	رفتاری	
مقیاس های انسانی	رفتاری	
ایمنی مسیر	رفتاری	
توجه به حواس پنج گانه انسان (عوامل روحی و روانی)	رفتاری	
وجود فضای سبز	رفتاری	
تامین قلمرو، امنیت، ساختار منسجم، تداوم خوانایی و قابل پیش بینی بودن فضا	بعد کالبدی	ویژگی های کالبدی؛ هر مکان دارای کالبدی مصنوع یا طبیعی است که شناخت مکان بدون آن تحقق نمی یابد. چشم انداز دور و نزدیک، منظر طبیعی و مصنوع، بدنها، پیکره فضایی، نشانه ها، عناصر شاخص و غیر شاخص کالبدی، عناصر اصلی کف و بام، خطوط آسمان، آستانه، مسیرها، حدود، مرز و مواردی از این دست بستری را فراهم می آورند که شناخت مکان بدون شناسایی آنها به درستی امکان پذیر نیست و آنها در واقع به حال و هوا و شخصیت محلی مکان قطعیت میبخشند.
وجود تسهیلات مناسب در فضا، پاسخگویی، راحتی و آسایش محیطی	بعد کالبدی	
میزان اطلاعات، سور و هیجان محیطی، پیچیدگی، آموزش، تنوع، انتخاب، هویت یابی، خلوت جویی و دلستگی در فضاست.	بعد فضایی	ویژگی های عملکردی؛ علاوه بر کالبدی، یک مکان ویژگی های منحصر به فرد خود را از حضور کارکردهایی متمایز و فعالیت های زیستی مشخص به دست می آورد و در سایه روش زندگی روزمره، فعالیت ها و عملکردهای رخ نموده احساس می شوند. مولفه های عملکردی مکان که در در پرتو مولفه های کالبدی امکان وقوع می یابد، نقشی تعیین کننده در شکل دهی به بستر مکان دارند. این که کاری برای انجام دادن وجود داشته باشد، باعث می شود که افراد دلیلی برای وارد شدن به فضا و خروج از آن داشته باشند.
تعاملات اجتماعی	بعد فضایی	
فرصت های کالبدی مناسب جهت نشستن، مکث و تأمل بیشتر در فضا	ویژگی کالبدی	جدر پایان عوامل موثر بر ارتقاء حس مکان و هویت بخشی آن به اختصار در جدول زیر مورد اشاره قرار می گیرد:
فضاهای کانونی جهت تجمع افراد مثل: زمین بازی، ایستگاه اتوبوس، مکان غذا خوردن و ...	ویژگی کالبدی	جدول ۶ جمع بندی ویژگی های اصلی محیط های اجتماع پذیر؛ مأخذ: یافته های تحقیق
ورودی های دعوت کننده و دسترسی به لحاظ بصری و کالبدی	ویژگی کالبدی	
راهها و ارتباطات فضایی مناسب در هدایت مردم درون فضا، خوانایی و وضوح فضایی	ویژگی کالبدی	
کنترل دسترسی وسایل نقلیه و امنیت پیاده	ویژگی کالبدی	
تعريف بدنها هویت جداره ها	ویژگی کالبدی	
پیش بینی فعالیت های جاذب	ویژگی کالبدی	
پیش بینی عناصر عملکردی در کنار ابعاد زیبایی شناسانه آن	ویژگی کالبدی	
دسترسی ها	ویژگی معما	
توده و فضا	ویژگی معما	
سیمای شهری	ویژگی معما	
محیط زیست	ویژگی معما	

**ویژگی های فرهنگی - معنایی؛ مهمترین ویژگی که در تبدیل محیط به مکان مؤثر است، کیفیت معنایی محیط می باشد. محیط پیرامونی در صورتی میتواند به محیطی بامنا تبدیل شود که امکاناتی غنی در تعیین هویت ارزانی دارد و پیوندی سرشار از معاشر را با جهانی مشکل از آشیا و چیزهای مختلف برقرار سازد.**

**ویژگی های کالبدی؛ هر مکان دارای کالبدی مصنوع یا طبیعی است که شناخت مکان بدون آن تحقق نمی یابد. چشم انداز دور و نزدیک، منظر طبیعی و مصنوع، بدنها، پیکره فضایی، نشانه ها، عناصر شاخص و غیر شاخص کالبدی، عناصر اصلی کف و بام، خطوط آسمان، آستانه، مسیرها، حدود، مرز و مواردی از این دست بستری را فراهم می آورند که شناخت مکان بدون شناسایی آنها به درستی امکان پذیر نیست و آنها در واقع به حال و هوا و شخصیت محلی مکان قطعیت میبخشند.**

## مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری  
Urban Management  
شماره ۴۸ پاییز ۱۳۹۶  
No.48 Autumn 2017

■ ۸۳ ■

**ویژگی های عملکردی؛ علاوه بر کالبدی، یک مکان ویژگی های منحصر به فرد خود را از حضور کارکردهایی متمایز و فعالیت های زیستی مشخص به دست می آورد و در سایه روش زندگی روزمره، فعالیت ها و عملکردهای رخ نموده احساس می شوند. مولفه های عملکردی مکان که در در پرتو مولفه های کالبدی امکان وقوع می یابد، نقشی تعیین کننده در شکل دهی به بستر مکان دارند. این که کاری برای انجام دادن وجود داشته باشد، باعث می شود که افراد دلیلی برای وارد شدن به فضا و خروج از آن داشته باشند.**

جدر پایان عوامل موثر بر ارتقاء حس مکان و هویت بخشی آن به اختصار در جدول زیر مورد اشاره قرار می گیرد:

جدول ۶ جمع بندی ویژگی های اصلی محیط های اجتماع پذیر؛ مأخذ: یافته های تحقیق

## منابع و مأخذ

1. بحرینی، حسین (۱۳۸۶) فرایند طراحی شهری، انتشارات دانشگاه تهران.
2. بنتلی، ایان (۱۳۸۲) «محیط‌های پاسخده» ترجمه: مصطفی بهزادفر، تهران: انتشارات دانشگاه علم و صنعت
3. بهزادفر مصطفی و طهماسبی ارسلان (۱۳۹۲) «شناسایی و ارزیابی مولفه‌های تاثیرگذار بر تعاملات اجتماعی تحکیم و توسعه روابط شهروندی در خیابان‌های شهری: نمونه مورد مطالعه سندج» فصلنامه باغ نظر، دوره ۱۰، شماره ۲۵
4. پارسی، حمید رضا (۱۳۸۱) شناخت محتوای فضای شهری، مجله دانشکده هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، شماره ۱۱.
5. پاکزاد، جهانشاه (۱۳۹۱) «سیر اندیشه‌ها در شهرسازی (۲): از کمیت تا کیفیت»، چاپ دوم، تهران: انتشارات آرمانشهر
6. پاکزاد، جهانشاه (۱۳۸۸) «مبانی نظری و فرایند طراحی شهری». چاپ سوم، تهران: انتشارات شهیدی
7. پاکزاد، جهانشاه و همکاران (۱۳۹۱) «البای روانشناسی محیط برای طراحان»، تهران: انتشارات آرمانشهر.
8. ترابی، محمد (۱۳۹۱) «طراحی محله بر اساس تأثیر ویژگی‌های کالبدی فضای باز عمومی در افزایش تعاملات و رفتار اجتماعی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی
9. حبیبی، رعنا سادات (۱۳۸۷) تصویرهای ذهنی و مفهوم مکان، نشریه هنرهای زیبا، ش ۳۵، تهران.
10. دانشپور، سید عبدالهادی و چرخچیان، مریم (۱۳۸۶) «فضاهای عمومی و عوامل مؤثر بر
11. دانشگر مقدم، گلرخ و همکاران (۱۳۹۰) «تحلیل اجتماع پذیری محیط کالبدی متأثر از ادراک طبیعت در محیط انسان ساخت» دوره ۳، شماره ۴۵، صص ۲۷-۳۸
12. راستیان، سجاد و همکاران (۱۳۹۱) «رابطه همبستگی بین کیفیت‌های محیطی و تداوم حیات شهری در عرصه‌های عمومی» فصلنامه باغ نظر شماره ۲۱، صص ۳۵-۴۶
13. رفییان، مجتبی و خدائی، زهراء (۱۳۸۸) «بررسی شاخص‌ها و معیارهای مؤثر بر رضایتمندی شهروندان از فضاهای عمومی شهری»، نشریه راهبرد، شماره ۵۳، سال هجدهم، صص ۲۲۷-۲۴۸
14. شکوهی، حسین؛ حسینی، سید علی. (۱۳۸۰) سازو کارهای مشارکت شهروندان در تهییه طرحهای توسعه شهری، فصلنامه مدرس علوم انسانی، دوره ۸، شماره ۱.
15. عباس‌زاده، شهاب و تمری، سودا (۱۳۹۱) «بررسی و تحلیل مولفه‌های تاثیرگذار بر بهبود کیفیات فضایی پیاده‌راه‌ها به منظور افزایش سطح تعاملات اجتماعی» فصلنامه علمی-پژوهشی مطالعات شهری، شماره چهارم، صص ۹۵-۱۰۴
16. فلاحت، محمد صادق (۱۳۸۵) «حس مکان و عوامل تشکیل دهنده آن»، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۲۶، صص ۵۷-۶۶
17. قنبران، عبدالحمید و جعفری، مرضیه (۱۳۹۳) «بررسی عوامل مؤثر بر ارتقاء تعاملات اجتماعی در میان ساکنان محله مسکونی؛ نمونه موردی: محله درکه تهران»، نشریه علمی-پژوهشی انجمن علمی معماری و شهرسازی ایران، شماره ۷.
18. کرمونا، متیو و همکاران (۱۳۸۸) «مکان‌های

29. Hillier B and Hanson J ,The social logiv of space,Cambridge university press1984 ، عمومی فضاهای شهری»، ترجمه: فریبا قراتی و همکاران، تهران: دانشگاه هنر.
30. Hophmayer ,Sharon and Yoram Krozer ,2008,Public participation in rural area water management: experiences from the North Sea countries in Europe ,Water International کوزر، لوئیس (۱۳۸۷) زندگی و اندیشه بزرگان جامعه شناسی، ترجمه محسن ثلاثی، انتشارات علمی، چاپ چهاردهم.
31. H.Whyte ,W .1980 .The Social Life of Small Urban Spaces .Washington DC :Project for Public Spaces. کاشانی جو، خشایار (۱۳۸۹) «بازشنایخت رویکردهای نظری به فضاهای عمومی شهری»، نشریه هویت شهر، شماره ۹۵-۱۰۶ سال چهارم، صص.
32. H.Whyte ,W .2003 .Social life of small urban spaces ,In Time-Saver Standards for Urban Design, By Donald Watson ,Alan Plattus and Robert Shibley.2.12-1-2.12.8 , McGraw-Hill Professional. گل، یان (۱۳۸۷) «زندگی در فضای میان ساختمان‌ها» ترجمه: شیما سادات شصتنی، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی
33. H.Whyte ,W .2009 .City :Rediscovering the Center .Pennsylvania: University of Pennsylvania press. گلکار، کوروش (۱۳۷۹) «مولفه‌های سازنده کیفیت طراحی شهری»، نشریه علمی- پژوهشی صفه، شماره ۳۲، ص ۲۹-۳۳
34. Landry ,Charles . (2000) .Urban Vitality :A New Source of Urban Competitiveness Prince ClausFund. گلکار، کوروش (۱۳۸۶) «مفهوم سرزنشگی در طراحی شهری»، دوفصلنامه علمی- پژوهشی صفه، شماره ۴۴، ص ۷۵-۶۶
35. Lang ,jan (1961) .Urban Design-The American Experience. New York : Van Nostrand Reinhold, p.96 . مدنی پور، علی (۱۳۷۹) «طراحی فضای شهری»، ترجمه فرهاد مرتضایی، شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری.
36. مطلبی، قاسم (۱۳۸۰) «روانشناسی محیطی؛ دانشی نو در خدمت معماری و طراحی شهری» نشریه علمی-پژوهشی هنرهای زیبا: شماره ۱۰، ص ۶۷-۵۲
37. مک اندره، فرانسیس تی (۱۳۹۲) «روانشناسی محیطی»، ترجمه: غلامرضا محمودی. چاپ دوم، تهران: انتشاراتوانیا منصوری، سید امیر (۱۳۹۰) «درآمدی بر شناخت معماری منظر»، مجله باغ نظر، شماره دوم، صفحات ۷۰-۷۸.
38. الونی، سید مهدی و سید تقی، میر علی (۱۳۸۱) سرمایه‌های اجتماعی: مفاهیم و نظریه‌ها، فصلنامه مدیریت، شماره ۳۳.

# مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری  
Urban Management  
شماره ۴۸ پاییز ۱۳۹۶  
No.48 Autumn 2017

■ ۸۶ ■